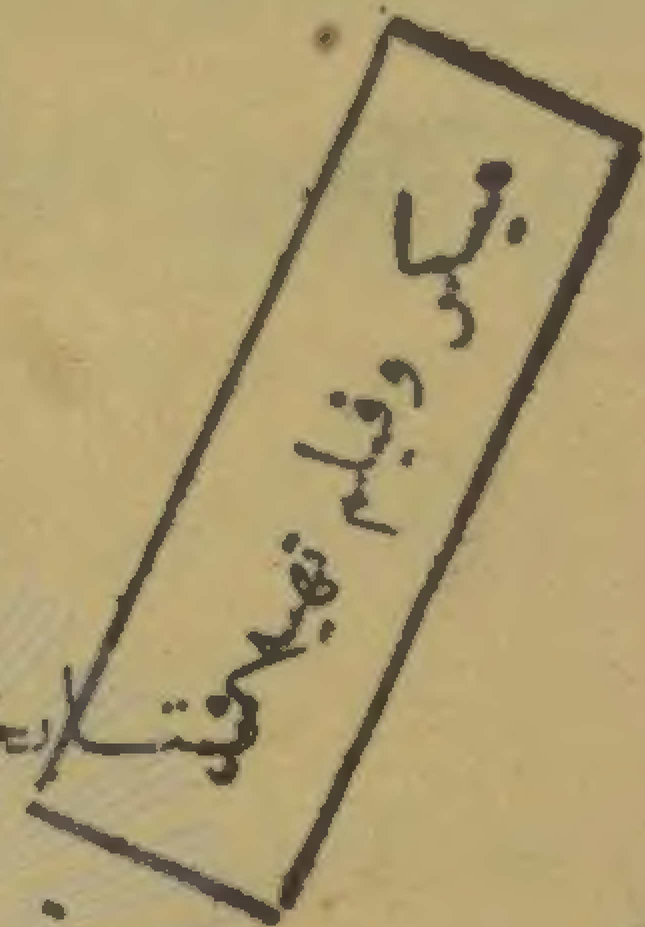
غزلیات امیرخسرو دهلوی متوفی سنه ۷۲۵ ملاحظه اول مجمع الفصحاء ص ۲۱۳

۳۹۸






دیوان

حمد بی حد به زبان لله رب العالمین
آن مهندس کی و بنیاد کرد با لوح و قلم
از خلایق در ... سلطان اوست
از امانت دار قال الله بشنو قال الرسول
لن تنالوا البر حتی تنفقوا گر خوانده
ای ملک لایزالت خاطرم حی لا یموت
گر ز حشر ... سودی ... دل دم چشم

آنکه جان بخشید در قرآن هدی للمتقین
یک رقم از خط حکمتش هو الذی ...
خوانده ام ... والله خیر الماکرین
... کم کن ... کاکنت ... انزلنا
... بهر او ... لا یحب المسرفین
ما همه ... و انت خیر الوارثین
سوی تو آن که گشته قوم ...

چو من طوطی شدم از راست پارسی | ز من شنوده ای پس تا نغز گویم

یک بیت از آن من نتواند خرید کس | زیرا که کس نهست بهین را بها نکند

هر که علیکم بنگوید تمام | هر که سلامش نگفتم والسلام

خسرو چو سلامت نکند عیب کسش | عاشق که نزاد دید چه پروای سلامت

هزاران درود و هزاران سلام | ز ما بر محمد علیه السلام

لصاحبه السعادة و السلامة
وطول العمر ما ناحت حمامة
وعز لا یدانیه هوان
واقبال الی یوم القیمة